



با بخشش خانواده  
غلامحسین قادری  
اعضای بدن او به چند  
بیمار چشم به راه  
اهدا شد تا دوباره  
به زندگی بازگردند



# بخشش بزرگ خادم اهل بیت



خانواده‌های دارای بیمار مرگ مغزی برایشان سخت باشد که مرگ مغزی بیمار خود را بپذیرند اما به نظر من، زندگی بخشیدن به چند بیمار چشم به راه، اقدام خوب و پسندیده‌ای است که بهتر است واجدان شرایط آن را انجام دهند.»

دچار مرگ مغزی شده و دیگر به زندگی عادی بر نمی‌گردد. وضعیت جسمی پدر برای پزشکان بسیار عجیب بود و جای سوال داشت: «از ما پرسیدند که شغل پدرتان چه بود؟ گفتیم بازنشسته و شوهر بود. گفتند اعضای داخلی بدن پدرتان آن هم در این سن و سال بسیار سالم و سر حال است. اغلب موارد مرگ مغزی‌های بالای ۶۵ سال که به ما مراجعه می‌کنند، اندام‌های داخلی‌شان چندان سلامت نیست اما بدن پدر شما با وجود ۷۱ سال بسیار سالم است. گفتم پدر من ۲۵ سال خادم الحسین (ع) و آشپز هیات بود و برای عزاداران غذا می‌پخت. شاید این سلامت جسم، نتیجه این خادمی باشد. گفتند او دچار مرگ مغزی شده و اگر می‌توانید اعضای بدنش را اهدا کنید. پذیرفتن این موضوع ابتدا برای مادشوار بود اما گفتند اگر بدن پدرتان تا ۱۰، ۱۵ روز همین‌طور زیر دستگاه‌های پزشکی باقی بماند، اعضای داخلی بدنش از کار می‌افتد، در حالی‌که اگر به موقع اهدا صورت گیرد، جان چند بیمار نجات پیدا می‌کند.»

تمام اعضای خانواده دور هم نشستند و درباره این موضوع با هم صحبت کردند: «ما گفتیم که او که دیگر بر نمی‌گردد و خودش هم همیشه دنبال انجام عمل خیر برای مردم بود، بهتر است رضایت دهیم تا چند بیمار هم از مرگ نجات پیدا کنند.»

تقدیر این بار برای غلامحسین قادری این‌طور رقم خورده بود که در اوج سلامت و توانمندی جسمی، ناگهان دچار حادثه شود و پس از ۷۱ سال به رحمت خدا برود. او حتی پس از فوت و با اهدای اعضای بدنش به یاری بیمارانی شتافت که همواره سر دیگ‌های پخت‌نذری برای امام حسین (ع) برای شفایشان دعا کرده بود. پدر در شهرستان یک خانه ویلایی داشت که بیشتر وقتش را در آن می‌گذراند و با باغچه زیبایش، خودش را سرگرم می‌کرد. مدتی پیش دوباره به خانه‌اش رفت تا کمی به کارهای عقب‌مانده آن رسیدگی کند. سعید قادری، پسرش از روز حادثه می‌گوید: «پدرم آن روز مشغول انجام خرده‌کاری در خانه بود. زمانی که می‌خواست از پله‌های بالکن بالا بیاید، وقتی از سه پله بالا آمد، نمی‌دانم سرش گیج رفت یا به پشت برگشت، دقیق نمی‌دانم چه اتفاقی افتاد که ناگهان سقوط کرد. برادرم هم کنارش بود که او را گرفت و با هم روی زمین سقوط کردند. بعد از سقوط، با اورژانس تماس گرفتیم. وقتی آمدند، پس از انجام اقدامات درمانی لازم، او را به آشتیان بردند. در آشتیان گفتند پدرتان خونریزی مغزی کرده است. او به درمان‌های پیشرفته در یک مرکز مجهز درمانی نیاز دارد و بهتر است در یکی از بیمارستان‌های اراک بستری شود. به صورت تلفنی از بیمارستان پذیرش گرفتند و بعد پدرم را به آن بیمارستان منتقل کردیم.»

پس از انتقال پدر به بیمارستان، او به بخش مراقبت‌های ویژه منتقل شد. دو روز پس از انتقال به بیمارستان و انجام معاینه و آزمایش‌های مختلف، پزشکان به خانواده‌اش گفتند که او

## اعتراف قاتل آشنا به قتل مادر بزرگ و نوه

جنایت هفته

شد. دو پسر بچه هم مجروح شده بودند که به بیمارستان منتقل شدند. وی افزود: این زن همراه سه نوه‌اش در این خانه زندگی می‌کردند. یک مظنون در روزهای ابتدایی دستگیر شد که بررسی‌ها نشان داد نقشی در قتل نداشته است. در ادامه یکی از آشنایان این خانواده که اهل یکی از استان‌های غربی کشور است در فهرست مظنونان قرار گرفت. کارآگاهان او را در استان‌های مختلف ردیابی کرده و سرانجام در بندرعباس دستگیر کردند. متهم برای بازپس‌گیری مدارکی که در این خانه بود وارد آنجا شده و با مادر و فرزندش روبه‌رو می‌شود. آنها در برابر او مقاومت کرده و درگیری رخ می‌دهد. قاتل هم با ضربات سخت اعضای این خانواده را هدف قرار می‌دهد.

وی در پایان گفت: در پرونده‌های جنایی مظنونی شناسایی و دستگیر می‌شوند که مردم و رسانه‌ها تا قطعی‌نشدن نتایج تحقیقات نباید درباره آنها گمانه زنی کنند. در این پرونده خواستگار ستایش ابتدا دستگیر شد اما برخی شتابزده او را به عنوان قاتل معرفی کردند.»



عامل حمله مرگبار به مادر بزرگ و نوه‌هایش هفته گذشته و یک ماه بعد از جنایت شناسایی شد و راز این جنایت را فاش کرد. نهم آذر امسال زن سالخورده هرچه منتظر ماند از دخترش خبری نشد. هر روز صبح دخترش که در همسایگی او زندگی می‌کرد به خانه‌اش می‌آمد و جویای حال مادر می‌شد. این غیبت باعث شک پیرزن شد و تصمیم گرفت به خانه دخترش کلثوم برود. در نیمه‌باز خانه دخترش شک او را بیشتر کرد. وارد ساختمان که شد با صحنه هولناکی روبه‌رو شد. جسد کلثوم و نوه‌اش ستایش در کنار هم افتاده بود. دو برادر ۸ و ۲ ساله ستایش هم زخمی شده بودند. با صدای کمک‌خواهی این زن، اهالی متوجه ماجرا شده و دقایقی بعد تیمی از ماموران با حضور در محل تحقیقات خود را آغاز کردند. سردار غلامرضا جعفری، فرمانده انتظامی هرمزگان در این باره گفت: با حضور تیم جنایی در صحنه جرم مشاهده شد دو خانم ۶۵ و ۱۵ ساله با اصابت جسم سخت به سر به قتل رسیده و جسد خون‌آلود آنان روی زمین افتاده بود. در کنار اجساد سنگی قرار داشت که احتمال قتل با آن مطرح

### آگهی فقدان مدرک تحصیلی

مدرک گواهینامه موقت پایان تحصیلات کارشناسی اینجانب لیلا فتحی سلمی فرزند محمدباقر به شماره شناسنامه ۶۵۳ صادره از ح ۳ کیار/شهرکرد در مقطع کارشناسی رشته پرستاری صادره از واحد دانشگاهی آزاد شهرکرد به شماره ۱۰۲۴۹ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد به نشانی: شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قارغ‌التحصیلان ارسال نماید.

برگ سبز و برگ کمیایی خودرو پژو آردی، رنگ پشمی روغنی، مدل ۸۵، به شماره موتور 11785002367، شماره شاسی 23405623 و شماره پلاک ۴۳۱ج۵۴ - ایران ۶۸ به نام مهدی خالصه رنجبر مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.



شماره تلفن پذیرش

۴۹۱۰۵۰۰۰

امروز آگهی‌های روزنامه جام جم